

ترس از جرم در فضای عمومی شهری از منظر زنان (مطالعه موردی: زنان شهر بابل)

علیرضا براری^۱، علی اصغر عباسی اسفجیر^۲، علی رحمانی فیروزجاه^۳

چکیده

ترس یکی از نام‌آشنا‌ترین واژه‌هایی است که هر فردی به‌طور غریزی از بدو تولد تا زمان مرگ، آن را به هر شکلی تجربه می‌کند. هدف این پژوهش ترس از جرم در فضای عمومی از منظر زنان در شهرها (مطالعه موردی: زنان شهر بابل) در سال ۱۳۹۸ بود. این پژوهش با استفاده از روش پیمایش و با ابزار پرسشنامه صورت گرفته است. جامعه پژوهش را زنان ۱۸ تا ۶۰ ساله ساکن شهر بابل تشکیل داده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۵۰ نفر تعیین شد و با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌های پژوهش، از آزمون‌های ضریب همبستگی با نرم‌افزار spss24 و تحلیل معادلات ساختاری با نرم‌افزار Amos25 استفاده شد. پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ، محاسبه و مناسب ارزیابی شد که بر اساس آن ضریب متغیرهای پژوهش و ابعاد آن بیش از ۰.۷ بود. در این پژوهش با به‌کارگیری آمار استنباطی رابطه متغیرهای فاصله اجتماعی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی و کنترل غیررسمی، بی‌نظمی با ترس از جرم سنجیده شد که رابطه همه متغیرها مورد تأیید قرار گرفت. نتایج نشان داد که این متغیرهای فاصله اجتماعی و استفاده از وسایل

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل bararialireza96@gmail.com

۲- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل (نویسنده مسئول) asfajir@hotmail.com

۳- دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل arf1348@gmail.com

ارتباط جمعی و کنترل غیررسمی، بی‌نظمی با ترس از جرم رابطه معنی‌داری دارند. با استفاده از نرم‌افزار Amos25 و رسم مدل مقدار تغییرات متغیر وابسته به‌وسیله متغیرهای مستقل تبیین شد.

واژه‌های کلیدی: ترس از جرم، زنان، فضای عمومی، بابل

مقدمه

شهر به‌عنوان یک فضا، فضایی اجتماعی است. در واقع شهر فقط جایی نیست که در آن حمل‌ونقل صورت می‌گیرد، یا در آن ساختمان ساخته می‌شود، بلکه مکانی است که شهروندان بتوانند خود خویش را به‌واسطه تعامل، محقق سازند. فضاهای عمومی و به‌طور خاص فضاهای شهری از منظر ویژگی‌های کالبدی و کارکرد اجتماعی، عرصه قابل‌توجهی برای رشد و بالندگی جامعه مدنی است. فضای شهری مکان تعاملات اجتماعی، برخوردهای اجتماعی، تبادلات اجتماعی و محملی برای انواع فعالیت‌هاست.

فضای اجتماعی، فرآورده و تولید اجتماعی است (ژیلینتیس، ۱۳۹۶). به این مفهوم که در هر جامعه‌ای، فضا، متأثر از نوع شیوه تولید هر جامعه است و بسته به نوع شیوه تولید، می‌توان فضاهای مختلفی را در هر جامعه‌ای متصور بود. شیوه تولید هر جامعه‌ای هم متأثر از تاریخ و جغرافیای آن جامعه است و عامل سنت و دین و ایدئولوژی حاکم بر تاریخ و جغرافیای یک سرزمین، بسیار در ساخت یابی فضا و مخصوصاً فضای جنسیتی در اجتماع شهری مؤثر است.

حوزه عمومی، مهم‌ترین بخش شهرهای ما در عصر مدرن است. فضایی است که مهم‌ترین تعاملات در آن شکل می‌گیرد. فضایی که بسیار تحت تأثیر فضای جنسیتی حاکم بر اجتماع جامعه است و واقعیت زندگی روزمره ما را فرم می‌بخشد. امنیت عمومی شهروندان از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت فضا در حوزه عمومی است و فضای شهری امن، فضایی است که امنیت و آسودگی خاطر شهروندان را فراهم آورد. ترس از جرم و جنایت، از مسائل مهمی است که دسترسی به مکان‌های عمومی را کاهش می‌دهد و تعامل با این مکان‌ها را محدود می‌کند. ترس از جرم، وابسته به وضعیت فضای شهری

است به این معنی که ساختار شهری، کیفیت محلات و خیابان‌ها، از بین رفتن و نبودن اخلاق مدنی و فقدان سازوکارهای بازدارنده جرم، زمینه ترس از جرم را بیشتر می‌کند. ترس از جرم یعنی یک فرد در فضای عمومی، ترس از بزه دیدگی و جرم یا مورد تعرض رفتارهای غیر مدنی و خشونت واقع شدن دارد. احساس امنیت و نگرانی از وقوع جرم، جزئی از مسائل اجتماعی است (بانیستر و فیف، ۲۰۰۱). مازلو در سلسله‌مراتب نیازها، احساس امنیت را پس از ارضای نیازهای اولیه قرار می‌دهد (کاهه، ۲۰۰۵). در این میان، یکی از اقشار آسیب‌پذیر در برابر ناامنی اجتماعی، زنان جامعه هستند.

ترس از جرم در میان زنان به یک نگرانی عام در سطح جوامع دنیا تبدیل شده و سبب گردیده تا صاحب‌نظران و محققان در حوزه‌های مختلف، به ریشه‌یابی و تحلیل مسئله و ابعاد مختلف آن پردازند (شاگری، ۱۳۸۹). مرور تحقیقات پیشین، نشان می‌دهد، علی‌رغم اینکه زنان به میزان کمتری قربانی جرائم مختلف می‌گردند، اما ترس بیشتری را به لحاظ ذهنی تجربه می‌کنند و در حیات اجتماعی خود احساس ناامنی بیشتری را نسبت به مردان دارند (عشایری و همکاران، ۱۳۹۷).

معمولاً، زنان از مزاحمت‌های خیابانی، زیاد در هراس هستند. مزاحمت‌های خیابانی عرصه عمومی را برای زنان به محیطی ناامن تبدیل می‌کند (باومن، ۱۹۹۳: ۵۱۹). ترس، آشکارترین واکنش غریزی و اجتماعی نسبت به جرم در شرایط ناامن است. ترس می‌تواند شامل اجتناب از اجتماع یا دوری از عوامل تهدیدکننده باشد (احمدی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۷). ترس از جرم همان احساس ناامنی است که فرد در پاسخ به نشانه‌های بی‌نظمی و عدم کنترل در جامعه که آن را تجربه می‌کنند (هینکل، ۲۰۰۹: ۷۴) و مسئله جنسیت بر روی ترس از جرم بیشترین اثرگذاری را دارد (فرارو، ۱۹۹۵).

امروزه با وجود آنکه زنان ایرانی در خیابان‌ها حضور دارند، هنوز فاصله زیادی تا حضور راحت و بدون احساس ناامنی، برای آن‌ها وجود دارد. بعضی از فضاهای عمومی، به‌خصوص در مناطق خاصی از شهر، به‌شدت تحت سلطه مردان قرار دارد. زنان در فضاهای شهری با خطراتی از جمله دزدی و کیف‌قاپی، گم‌شدن، متلک‌پرانی و انواع مختلف

آزارهای جنسی (دیداری، کلامی و رفتاری) مواجه می‌شوند. عکس‌العمل موردپذیرش عموم در مواردی که زنی مورد آزار جنسی، کلامی، فیزیکی قرار می‌گیرد، مداراست که خود باعث تقویت احساس ناامنی و آسیب‌پذیری در فضاهای عمومی می‌شود.

توجه به این نکته ضروری است که ترس از جرم، تأثیرات و محدودیت‌هایی را در رفتارهای اجتماعی بانوان در فضاهای شهری به دنبال دارد، که از آن جمله می‌توان به خارج نشدن بانوان از منزل پس از تاریک شدن هوا، کاهش فرصت‌های رشد اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و افزایش وابستگی زنان به مردان و ایجاد دید کلیشه‌ای به زنان به‌عنوان موجودات ضعیف و ناتوان اشاره کرد (لوبووا و همکاران^۱، ۲۰۰۴).

تا پیش از دهه ۱۹۷۰ ترس از جرم به‌عنوان مسئله‌ای اجتماعی مطرح نشده و به طوری وارد گفتمان جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان نشده بود. جرم‌شناسی کلاسیک پیش از هر چیز متوجه شرح انواع تأثیر پیشگیرانه مجازات و با تأکید بر مطالعه مجرمان بود. در اواخر دهه ۱۹۶۰ با بالا رفتن میزان جرم، توجه به بزه دیدگان مطرح شد. به‌جای آزمون انگیزه مجرم، پرسش پیرامون تأثیر جرم بر زندگی بزه دیده و بر اجتماع بزرگ‌تر، محور مباحثات قرار گرفت. جرم، ترسی را در میان مردم برمی‌انگیزد که منجر به تهدید اجتماع می‌شد. در اینجا بود که ترس از جرم، به همان اندازه خود جرم مسئله‌ای اجتماعی شد (کیانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۰).

در ایران، تحقیق درباره ترس از جرم، عمر یک دهه خود را پشت سر گذاشته است. در چند سال اخیر، توجه پژوهشگران به مسائل زنان در جامعه، زیاد شده است و بااحتیاط می‌توان این‌گونه بیان داشت که دو دهه آینده جامعه ایران، در حوزه پژوهشی، مسائل زنان و دغدغه زنان در شهرها را شامل می‌شود.

همان‌گونه که ذکر شد، مسئله ترس از جرم در یک دهه اخیر، جزو محدود پژوهش‌ها و عنوان‌های پژوهشی بوده است که موردتحقیق قرار گرفته است. آنچه از این سوابق پژوهشی در ایران می‌توان فهمید این امر است که در رشته جامعه‌شناسی، این موضوع پژوهش، بسیار

کم‌کار شده است و تمام ابعاد و زوایای کامل مسئله ترس از جرم مورد واکاوی و تحلیل جامعه‌شناختی قرار نگرفته است. پژوهش‌های دیگری که با این عنوان توسط دیگر پژوهشگران کار شده است، بیشتر مرتبط با رشته‌های حقوق و جزا و معماران محیطی است. آنچه در این مقاله، محقق را در وهله اول برای تحقیق در حوزه ترس از جرم مجاب کرده است، همین مسئله کم‌کار شدن موضوع عنوان مقاله است که علاوه بر سنجش عوامل مؤثر بر ترس از جرم، متغیر اصلی و وابسته پژوهش را نیز موردسنجش قرار بدهد. از این رو محقق این رساله، به این نتیجه رسیده است که حوزه موضوعی ترس از جرم، که در ایران در آغاز پژوهش‌هایش قرار دارد، نیازمند پژوهشی است مبتنی بر این امر که سازه‌ای را برای سنجش متغیر اصلی پژوهش بسازد و در پژوهش موردسنجش قرار دهد که خود مسئله ترس از جرم را در زنان را بسنجد نه عوامل مؤثر صرف بر آن را. از این رو، یکی از کاستی‌های پژوهش‌ها در ایران این امر است که برای سنجش متغیر اصلی پژوهش، ترس از جرم، سازه‌ای ساخت یافته وجود ندارد. در یک کار پژوهشی، تنها متغیر اصلی، متغیر وابسته پژوهش می‌باشد که باید در پژوهش سعی در سنجش آن داشت که در این مقاله با توجه به ابزار ساخت یافته مقیاس ترس از جرم در زنان (براری و همکاران، ۱۳۹۸) که در دو فصلنامه پژوهش‌های انتظامی-اجتماعی زنان و خانواده در شماره ۷ (۲) به چاپ رسیده است مورد استفاده قرار گرفته است.

پیشینه پژوهش

کروبی (۱۳۹۸) هدف پژوهش خود را ارتباط بین ترس از جرم و بی‌نظمی محلی با وفاداری به مقصد (گرایش به اقامت مجدد) در گردشگران خارجی در بافت تاریخی شهر شیراز نام می‌برد. که روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. تکنیک گردآوری اطلاعات، پرسشنامه بود که در میان ۳۸۰ نفر از گردشگران خارجی که در بافت تاریخی و فرهنگی شهر شیراز اقامت داشته‌اند، توزیع شده است. پایایی ابزار پژوهش بر اساس میزان آلفای کرونباخ که بیشتر از ۰/۷ بوده تأیید شده و روایی صوری و محتوایی ابزار نیز با استفاده از نظرات متخصصان مورد تأیید و روایی سازه پرسشنامه با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی

و تأییدی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. یافته‌های پژوهش مشخص کرد که میان سن، وضعیت تأهل، تحصیلات، شغل، کشور مبدأ و میزان وفاداری به مقصد گردشگران، و از سوی دیگر میان ترس از جرم و بی‌نظمی محله‌ای و میزان وفاداری گردشگران خارجی به مقصد (گرایش به اقامت مجدد در بافت تاریخی) شهر شیراز رابطه وجود داشت. بنابراین در نتیجه گیری بحث باید عنوان کرد که راه‌اندازی مدیریت واحد گردشگری و پلیس گردشگری در مقاصد گردشگر پذیر از جمله راهکارهای کاهش ترس از جرم و بی‌نظمی محلی و در نتیجه افزایش مقاصد گردشگری در شهر شیراز است.

نیازی و همکاران (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان واکاوی ترس از جرم در ساختار اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن، ترس از جرم و قربانی شدن را به مفهوم دل‌نگرانی فرد از قربانی شدن (خود، اعضای خانواده، خویشاوندان، همسایه و شبکه‌های پیوندی) به وسیله ولگردان، معتادان، سارقان، کودک رباها، مزاحم خیابانی، سودجوها، گروه‌های بزهکار و افراد غیراخلاقی تعریف کرده‌اند که ممکن است خود یا یکی از نزدیکان وی را مورد تهدید و قربانی قرار دهند. بر این اساس، هدف اصلی پژوهش، واکاوی ترس از جرم در ساختار اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن است. مکانیسم اجرای پژوهش، فراترکیب است. فراترکیب باهدف ترکیب نتایج پژوهش مطالعات پیمایشی و کیفی اجرا می‌شود. از تعداد ۵۵ مقاله در بازه زمانی ده‌ساله ۱۳۸۵-۱۳۹۵، برای حجم نمونه، ۴۰ اثر با روش تعمدی و ارزیابی اعتبار انتخاب شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که رسانه‌ای شدن جرائم، هویت اجتماعی - قومی، فاصله اجتماعی، محرومیت اجتماعی، فرودستی زنان، تبعیض جنسیتی، جامعه‌پذیری، تجربه بزه دیدگی، ذائقه و سلیقه پوشش، اوقات فراغت، پدرسالاری، فرهنگی شدن خشونت، ادغام اجتماعی، پیوند همسایگی، چسبندگی اجتماعی، سبک زندگی انتخابی، حمایت اجتماعی، فقدان مدنیت، زوال اخلاقی اجتماع، کاهش نظارت‌های اجتماعی، فقدان حضور پلیس، بی‌تفاوتی مدنی، بی‌نظمی اجتماعی، ناهمگونی اجتماعی، خرده‌فرهنگ‌های طبقه پایین، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سطح تحصیلات، کیفیت محل زندگی، مکانیسم دفاع اجتماعی، ضعف جسمانی و فیزیکی و وضعیت سنی (پیری) در وقوع تأثیر از جرم تأثیر دارند.

خراسانی و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله خود با عنوان سنجش رابطه محیط با ترس از جرم در محیط مسکن مهر شهرستان پاکدشت، بیان داشتند که پژوهششان در حوزه جغرافیایی مجموعه مسکن مهر پاکدشت انجام شده است؛ مجموعه‌ای که علی‌رغم مدت کوتاه شکل‌گیری، بر اساس آمار و اطلاعات، یکی از کانون‌های اصلی جرم و ناهنجاری‌های اجتماعی در این شهرستان است. در پژوهش حاضر، با شناسایی عوامل مؤثر بر ترس از جرم در مجموعه مسکن مهر امام رضای پاکدشت، بخشی از معضلات اجتماعی را که مجموعه‌های مسکن مهر به شهر تحمیل کرده‌اند شناسایی، و برای رفع آن‌ها راهکارهای درخور ارائه می‌کنیم؛ بدین منظور از دودسته عوامل عینی (فقر و مهاجرت) و ذهنی (ویژگی‌های محیطی از نگاه شهروندان) استفاده کرده‌ایم. روش این پژوهش تحلیلی-توصیفی است. ابتدا تعدادی معیار و شاخص بر اساس مرور متون و تجارب مرتبط به‌دست آمده و با توجه به آن پرسشنامه‌ای تنظیم شده است. در ادامه به‌منظور جمع‌آوری اطلاعات، ۳۸۴ پرسشنامه (بر اساس فرمول کوکران) به‌صورت تصادفی در بین ساکنان توزیع شده است. تحلیل داده‌ها در نرم‌افزار SPSS و با استفاده از تحلیل عاملی و رگرسیونی خطی انجام گرفته است. چهار عامل کالبدی، اجتماعی، رضایتمندی و امنیت در مجموعه مسکن مهر مقدار ویژه بزرگ‌تر از یک دارند که نشان‌دهنده حدود ۶۳ درصد از تغییرات است، همچنین با توجه به نتایج، فقر در دست عینی، و عوامل کالبدی در دست ذهنی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر ترس از جرم در مجموعه مسکن مهر هستند.

قاضی نژاد، مریم، شاکری، فرشته (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان بررسی و تحلیل جامعه‌شناختی ترس از جرم و رفتارهای غیر مدنی در میان زنان شهر تهران (با تأکید بر هویت جنسی و هویت مدنی)، با روش کیفی و ابزار مصاحبه عمیق صورت گرفته است. جامعه آماری شامل زنان ۱۸-۵۵ ساله ساکن تهران است که از میان آن‌ها نمونه‌ای در دسترس به حجم ۴۰ نفر انتخاب شدند. نتایج مصاحبه‌های عمیق نشان می‌دهد که ترس زنان از جرم و رفتارهای غیر مدنی به‌ویژه ریشه در جنسیت اجتماعی و جریان‌های جامعه‌پذیری جنسیتی در بستر تاریخی - فرهنگی خاص جامعه ما دارد که هویت جنسی زنان را در نگاه عموم برجسته و بر هویت انسانی و مدنی آنان مسلط ساخته است و از

طریق نوعی تقلیل هویتی، موجب آسیب و آزاردیدگی عینی، نگرانی و هراس از حضور در فضاهای عمومی شده است.

یاووز^۱ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی تحت عنوان ترس از جرم در فضای عمومی: تفاوت‌های جنسیتی در واکنش به اقدامات ایمنی در حمل‌ونقل قطار، منتشر شده در دانشگاه ایلینوی در شیکاگو، بیان می‌کنند که تحقیقات عوامل متعددی را که بر ترس جرم در فضای عمومی تأثیر می‌گذارد شناسایی کرده است. باین‌حال، تا حدی که جنسیت در کاهش اثربخشی اقدامات کاهش ترس، توجه کمتری به خود جلب کرده است. این مطالعه با استفاده از داده‌ها از بررسی رضایت مشتریان سازمان حمل‌ونقل شهری در سال ۲۰۰۳، به‌منظور درک اینکه آیا شیوه‌های حمل‌ونقل قطار و ویژگی‌های خدمات به‌طور متفاوت بر مردان و زنان تأثیر می‌گذارد. یافته‌ها نشان می‌دهد که حضور دوربین‌های ویدئویی در مورد احساس امنیت زنان در مقایسه با مردان، تأثیر معنی‌داری دارد.

اسکاربورگ و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان ارزیابی رابطه بین ویژگی‌های فردی، بافت محله با ترس از جرم در یک نمونه تصادفی از اهالی کانزاس سیتی و میسوری آمریکا پرداختند. آن‌ها هدف از مطالعه خود را بررسی ترس شهروندان از جرم بر اساس محله‌ای که در آن زندگی می‌کنند، اعلام نمودند. ایشان معتقد بودند که مجموعه ویژگی‌های فردی، ادراک شهروندان و ساختار محله، در فهم و ادراک کامل از ترس از جرم می‌تواند کمک‌کار باشد. محققان با استفاده از عواملی مثل انسجام اجتماعی، بی‌نظمی محله، و میزان رضایت شهروندان از پلیس سطح تقریبی ترس از جرم را اندازه‌گیری نمودند و بعد از کنترل متغیرهایی مثل: نژاد، سن، جنس و تحصیلات به این نتیجه رسیدند که ساختار محله در بین پاسخگویان به‌عنوان یک عامل تأثیرگذار بر ترس از جرم معرفی شده است. همچنین یافته‌ها حاکی از این است که درک از بی‌نظمی محله یک پیش‌بینی‌کننده قوی ترس از جرم می‌باشد.

اسندرک (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای به نام شرایط محله و ترس از جرم: تجدیدنظر در تفاوت‌های جنسیتی به بررسی تفاوت‌های جنسیتی در میزان ترس از جرم و رابطه آن با

ارزیابی که افراد از محیط پیرامون خود دارند، می‌پردازد. در این مقاله از داده‌های پیمایش قربانی شدن جنایی و ادراک از اجتماع ایمن استفاده شده است. داده‌ها حاکی از آن است که برخی از ویژگی‌های محیط محله تأثیرهای متفاوتی بر ترس از جرم در میان زنان و مردان داشته است. از جمله آن‌ها می‌توان به جرم و جنایت‌های جدی در محله و بی‌نظمی‌های فیزیکی و اجتماعی در محله اشاره کرد. همچنین داده‌ها این نکته را برجسته می‌کند که زنانی که ترس از جرم بیشتری دارند ادراک بیشتری از خطر (ریسک) را با توجه به شرایط محله خود احساس می‌کنند.

کوپس (۲۰۱۰) به بررسی تأثیر نهادهای اجتماعی کننده بر ترس جوانان از جرم پرداخته است. علی‌رغم ادبیات نسبتاً گسترده موضوع ترس از جرم در علوم اجتماعی، ولی تحقیقات مربوط به این حوزه در بین جوانان بسیار اندک باقی مانده است. بدین منظور نم‌ون‌هایی از ۱۱۳۴ جوان بلژیکی مورد مطالعه محقق قرار گرفتند. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که به‌استثنای متغیر جنسیت سایر متغیرهای خاستگاهی تأثیر چندانی بر ترس جوانان از جرم نداشتند. در تبیین این متغیر، تأثیر متغیرهای مربوط به گروه دوستان و رسانه‌ها به مراتب بیشتر از نهاد خانواده بوده است.

مبانی نظری

ترس اصطلاحی است که ابعادی فراگیری از احساس، دیدگاه‌ها، ارزیابی خطر را در برمی‌گیرد که برای افراد متخلف، تعاریف مختلفی دارد. جرم یکی از ویژگی اجتناب‌ناپذیر تمدن است. دورکیم بیان می‌کند که جرم امری بهنجار است، زیرا جامعه بدون جرم، امری محال و غیرممکن است، پس ترس صرفاً یک پاسخی طبیعی به جرم است (فرار، ۱۹۹۵: ۱). از نظر گارفالو (۱۹۸۷) ترس از جرم، واکنش احساسی که خودش را با احساس خطر و نگرانی متعاقب که از خطر آسیب جسمی ایجاد می‌گردد، نشان می‌دهد و با نشانه‌های مشاهده شده در محیط زندگی که به بعضی از جنبه‌های جرم مرتبط می‌گردد بروز می‌کند. پین، ترس از جرم را دامنه وسیعی از احساسات و پاسخ‌گویی‌هایی عملی و عاطفی افراد جامعه نسبت به

بی‌نظمی‌ها و جرائم اعمال‌شده در آن تعریف می‌کند و بیان می‌دارد که ترس از جرم مسئله‌ای است اجتماعی و فردی نیست که ویژگی بعضی از افراد باشد، بدان معنا که بعضی افراد دارای آن و بعضی فاقد آن باشند، بلکه بیشتر انتقالی و موقعیتی است؛ به عبارت دیگر همه ما در دوران زندگی خود تحت تأثیر تجربیات و مناسبات اجتماعی در سایه‌ای از ترس حرکت می‌کنیم (پین، ۲۰۰۰: ۳۶۶).

ترس، واکنشی کم‌وبیش منطقی به جرم است که پیامدهای اجتماعی را از طریق دو مکانیسم مختلف ایجاد می‌کند: اولاً، مردم از لحاظ عاطفه ناآرام می‌شوند. بجای زندگی در آرامش و امنیت در خانه‌شان، آن‌ها احساس آسیب‌پذیری و تهدید کرده و منزوی می‌شوند. بجای لذت بردن از مسافرت با دوستان، به مدرسه رفتن، فروشگاه مواد غذایی، محل کار، احساس ترس و اضطراب دارند. از آنجاکه اینان به جای احساس امنیت، کمتر احساس خوشی دارند، باعث از دست رفتن رفاه و آرامش شخصی می‌شود. دوم اینکه، ترس باعث می‌شود که مردم زمان و پول خود را در ابزار بازدارنده (دفاعی) به منظور کاهش آسیب‌پذیری سرمایه‌گذاری کنند. آن‌ها بیش از آن‌که می‌خواهند، در خانه می‌مانند و از رفتن به مکان‌های خاص اجتناب می‌کنند. درحالی‌که پول و زمان خود را می‌تواند در جهت رفاه، نظیر جمع‌آوری هزینه اضافی در مسائل شخصی یا غیره استفاده کند و یا برای تبدیل به هزینه اجتماعی بکار گرفته شود (اسکوگان، ۱۹۸۷: ۲). در حال حاضر ترس از جرم به عنوان یک پدیده‌ای که در حقیقت متمایز از جرم واقعی است، مفهومی انتزاعی و وابسته به برداشت افراد بوده و سنجش آن ذاتاً مشکل می‌باشد (گارفالو، ۱۹۷۸: ۸۴۱). نظرسنجی از قربانیان تنها راه ارزیابی میزان و اثرات ترس است (گودی، ۲۰۰۵: ۵۱). مطالعات متعدد نشان‌دهنده است ترس از جرم زنان عمدتاً به خاطر ترس از تهدید فیزیکی و جنسی توسط مردان غریبه است (کلی، ۱۹۸۸؛ مدریز، ۱۹۹۷).

ترس زمانی امکان وقوع می‌یابد که میزان کنترل اجتماعی که به معنای کنترل فضای عمومی خیابان و کوچه در نقاط شهری است، به وسیله اتفاقاتی همچون دیوارنویسی‌های غیرقانونی، رفتارهای بی‌نظمی، همسایگان پرسروصدا، آشغال‌های تلنبار شده، ولگردی،

وجود سرنگ در پارک‌ها و غیره، مورد تهدید قرار بگیرد و کنترل اجتماعی، اثربخشی خود را در فضای عمومی، از دست بدهد. این بی‌نظمی و بی‌تمدنی به‌طور ظریفی با سایر عوامل اجتماعی ارتباط دارند که سبب افزایش ترس می‌شوند. جنبه‌های مختلف فیزیکی و اجتماعی محل زندگی انسان با ترس از جرم رابطه دارد. زیاد بودن فاصله اجتماعی، نبود همبستگی و اعتماد بین همسایه‌ها که به شکل عدم تمایل همسایگان به کمک کردن به یکدیگر ظهور می‌کند، عامل مهمی است که با ترس از جرم می‌تواند همبستگی داشته باشد. در این میان تأثیر برداشت عمومی از خطر جرم بر بروز احساس ترس از جرم قطعی است و همچنین به‌وسیله پوشش رسانه‌های جمعی نیز شکل می‌گیرد. افراد از طریق رسانه، ارتباطات بین فردی، تصاویری از حوادث جنایی، عاملان آن، انگیزه جرم، جرائم غیرقابل کنترل و هیجانی را به دست می‌آورند. مفهوم برداشت مشابه از یک مسئله امری کلیدی در ترس از جرم است. ممکن است خواننده روزنامه و همسایگان او احساس و شرحی مشابه از جرم بدهند و تصور خطر جرم شکل بگیرد و باعث انتقال آن به نگرانی درباره امنیت شخصی‌شان بشود (وینکل و وریج، ۱۹۹۰).

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا پیمایشی است. جامعه پژوهش را زنان ۱۸ تا ۶۰ ساله ساکن شهر بابل تشکیل داده‌اند. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۵۰ نفر تعیین شد و با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای، انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته در دو سطح متغیر مستقل و وابسته، جمع‌آوری گردید. پرسشنامه متغیر مستقل دارای ۴ متغیر و ۳۸ گویه کلی (جدول ۱) و پرسشنامه ترس از جرم به‌عنوان متغیر وابسته دارای ۱۲ متغیر و ۹۳ گویه (جدول ۲) می‌باشد. ضریب روایی و پایایی متغیر مستقل ۰/۷۹ و روایی و پایایی متغیر وابسته ۰/۹۵. داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از نرم‌افزار Spss25 و Amose25 در سطح توصیفی و استنباطی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

جدول شماره ۱: تعریف عملیاتی متغیرهای مستقل پژوهش

شماره گویه	گویه‌ها	شاخص‌ها		متغیرهای مستقل
۱-۵	کم بودن فاصله اجتماعی زنان در جامعه - اجتماعی نبودن زنان - محدود و محصور بودن زنان در خانه - محدود بودن کنش زنانه در خانه - محدود بودن کنش زنانه تنها با هم‌جنسان	فاصله اجتماعی		
۶-۱۰	مرور کردن حوادث قتل و تجاوز در رسانه‌های تصویری و مجازی - برجسته‌سازی جنایات برعلیه زنان در رسانه - ترویج خشونت کلامی برعلیه زنان	نوع اخبار میزان استفاده	وسایل ارتباط جمعی	
۱۱-۱۴	در دسترس بودن امکاناتی از قبیل بانک و بازار و پست و مدرسه و درمانگاه و بیمارستان و... به محل سکونت	عدالت اجتماعی	کنترل غیررسمی	
۱۵-۱۸	مداخله ساکنان محله در امور جرم خیز محله - مشکوک شدن به فرد غریبه در محله - کنترل محله با دوربین	اثربخشی جمعی		
۱۹-۲۴	رضایتمندی از محله و همسایگان - حس تعلق به محله و همسایه - شرکت در مراسم محله	انسجام اجتماعی		
۲۵-۲۸	دادن کلید به همسایه در زمان مسافرت رفتن - درمیان گذاشتن بعضی رازها به همسایه - درد و دل کردن با همسایه - رفت و آمد کردن با همسایه و هم‌محله‌ای‌ها	اعتماد اجتماعی		
۲۹-۳۸	خرابی دیوار - خرابی ساختمان - وجود چاله - وجود ماسه و آجر در کوچه و خیابان - فروش مواد - تخریب اموال عمومی - فروش مشروب الکلی - آزار و اذیت لفظی	بی‌نظمی اجتماعی بی‌نظمی فیزیکی	بی‌نظمی	

جدول شماره ۲: تعریف عملیاتی متغیر وابسته پژوهش

ترس واقعی (کین، ۱۹۹۲)	نوع دوستانه (مورد جرم واقع شدن نزدیکان) (واره، ۱۹۹۲)		سؤالات ۱ تا ۴
ترس بی‌قاعده	ذهنی و روانی (ترس کلی) (کین، ۱۹۹۲)		سؤالات ۸ تا ۱۰
انواع جرم (محقق ساخته)	جرم خشونت‌آمیز	جسمی	سؤالات ۱۱ تا ۱۵
		جنسی	سؤالات ۱۶ تا ۲۰
	جرم علیه نظم عمومی	عینی	سؤالات ۲۱ تا ۲۲
		ذهنی	سؤالات ۲۳ تا ۲۴
	جرم مالی	ذهنی	سؤالات ۲۵ تا ۲۹
		عینی	سوغات ۳۰ تا ۳۱
		واکنشی	سؤالات ۳۲ تا ۳۳
احساس امنیت (محقق ساخته)	فردی	سؤالات ۳۴ تا ۳۶	
	جمعی	سؤال ۳۷	
قضاوت‌های شناختی از جرم توسط فرد (فرارو و لاگرانگ، ۱۹۸۷)		ذهنی	سؤالات ۳۸ تا ۴۰
		عینی	سؤالات ۴۱ تا ۴۲
میزان و مقدار احتمال وقوع جرم برای فرد (فرارو و لاگرانگ، ۱۹۸۷)		عینی	سؤالات ۴۳ تا ۴۴
		ذهنی	سؤال ۴۵
احساس فرد نسبت به جرم (فرارو و لاگرانگ، ۱۹۸۷)			
ابعاد ترس از جرم	فضامندی (محقق ساخته)	زمان حضور	سؤالات ۵۲ تا ۵۳
		فرد	سؤالات ۵۴ تا ۵۵
	مکان حضور	مکان رؤیت پذیر، عمومی یا باز	سؤالات ۵۶ تا ۵۷
		مکان غیرقابل رؤیت پذیری	سؤالات ۵۸ تا ۶۰
احساس ضعیف بودن (محقق ساخته)	جسمی	سؤالات ۶۱ تا ۶۲	
	ذهنی	سؤالات ۶۳ تا ۶۴	
نوع پوشش در شهر (محقق ساخته)	باز(بی‌حجاب)		سؤالات ۶۵ تا ۶۶
	بسته (باحجاب)		سؤالات ۶۷ تا ۶۸

مورد قضاوت واقع شدن (از دست رفتن آبرو و حیثیت و برجسب خوردن) (محقق ساخته)		سؤالات ۶۹ تا ۷۴
فیزیکی و جسمی (سرد شدن بدن، جیغ زدن، تهوع، لرز و فلج شدن بدن)		سؤالات ۷۵ تا ۷۸
ذهنی و روانی (اضطراب، هراس، نگرانی، وحشت، دلواپسی و افسردگی)		سؤالات ۷۹ تا ۸۱
پیشگیرانه	هزینه پنهان (بیمه کردن، نصب دوربین، نصب دزدگیر)	سؤالات ۸۲ تا ۸۴
	رفتار احتیاطی (مانند نصب حفاظ درب، بلند چیدن دیوار، نصب محافظ بلندبالای دیوار و جابه‌جایی محل سکونت)	سؤالات ۸۵ تا ۸۷
نگرشی	تندر و بیزاری از مردان. خوی جنسی مردان. یک‌جور بودن همه مردان در امر جنسی	سؤالات ۸۸ تا ۹۰
رفتاری	فرار از مردان. با جدیت حرف زدن با مردان. کم‌محلّی به مردان	سؤالات ۹۱ تا ۹۳

جدول ۳: آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد گویه	ضریب آلفا
فاصله اجتماعی	۵	۰/۸۲۵
استفاده از وسایل ارتباط جمعی	۴	۰/۸۷۸
کنترل غیررسمی	۱۸	۰/۷۷۳
بی‌نظمی	۱۰	۰/۷۳۸
ترس از جرم	۹۳	۰/۹۵۴

یافته‌ها

جدول ۴: توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب ویژگی‌های فردی

متغیر	مقولات	فراوانی	درصد
تأهل	مجرد	۱۷۶	۵۰/۳
	متأهل	۱۶۰	۴۵/۷
	مطلقه	۱۴	۴/۰
سن	زیر ۳۰	۱۶۴	۴۶/۷
	۳۱ تا ۴۰	۱۳۴	۴۲/۴
	۴۱ تا ۵۰	۲۰	۵/۶
	۵۰ به بالا	۸	۶/۳
شغل	خانه‌دار	۱۵۶	۴۴/۶
	کارمند شرکت خصوصی	۱۲۰	۳۴/۳
	کارمند دولتی	۷۴	۲۱/۱

با توجه به جدول شماره ۵، از مجموع ۳۵۰ نفر نمونه موردسنجش قرار گرفته در این پژوهش، ۱۷۶ نفر معادل ۵۰/۳ مجرد و ۱۶۰ نفر معادل ۴۵/۷ متأهل و ۱۴ نفر معادل ۴/۰ درصد مطلقه هستند. از این میان، ۱۳۴ نفر معادل ۴۶/۷ در سن زیر ۳۰ سال و ۱۳۴ نفر معادل ۴/۴۲ در بین سن ۳۱ تا ۴۰ سال و ۲۰ نفر معادل ۵/۶ در بین سن ۴۱ تا ۵۰ و تعداد ۸ نفر معادل ۶/۳ درصد در سن بالای ۵۰ قرار دارند که کمترین میزان فراوانی مجموعه را شامل می‌شود. در واحد شغل، ۱۵۶ نفر معادل ۴۴/۶ درصد از زنان خانه‌دار هستند و ۱۲۰ نفر معادل ۳۴/۳ درصد کارمند شرکت‌های خصوصی هستند و ۷۴ نفر معادل ۲۱/۱ درصد نیز کارمند ادارات دستگاه‌های اجرایی دولتی هستند که کمترین میزان فراوانی مجموعه شغلی را شامل می‌شود.

آزمون نرمالیتی

جدول ۵- آزمون نرمالیتی پرسشنامه ترس از جرم

متغیر	کولموگروف-اسمیرنوف			شاپیرو ویلک		
	ضریب	درجه آزادی	سطح معناداری	ضریب	درجه آزادی	سطح معناداری
ترس از جرم	۱/۵۱	۳۴۸	۰/۰۶۱	۱/۷۶	۳۴۸	۰/۰۶۴

با توجه به نتایج جدول ۵ و آزمون‌های نرمالیتی، برای هر دو آزمون شاپیروویلیک و کولموگروف-اسمیرنوف سطح معناداری (۰/۰۶) است و از سطح معناداری استاندارد (۰/۰۵) بیشتر است و این بدان معناست که توزیع داده‌ها نرمال است، همچنین ضریب نرمال بودن بالاتر از یک می‌باشد. بنابراین می‌توان از آزمون‌های پارامتریک برای سنجش رابطه متغیرها استفاده نمود.

نتایج آزمون همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و متغیر اصلی پژوهش

جدول ۶. یافته‌های استنباطی متغیرهای پژوهش

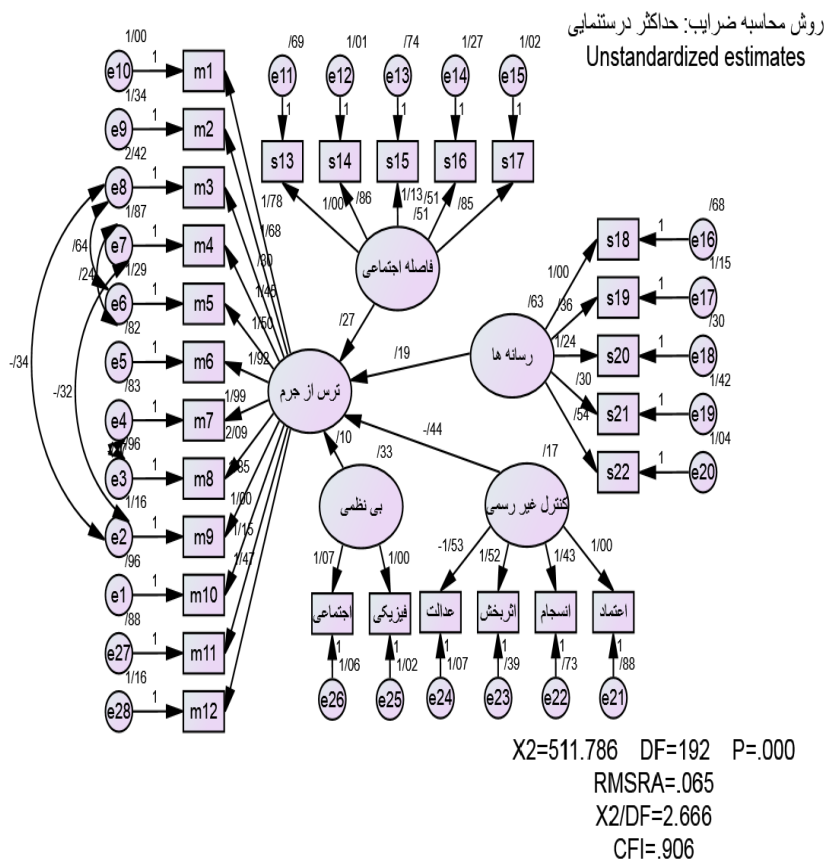
متغیر وابسته: ترس از جرم				متغیر مستقل
نتیجه	نوع آزمون	سطح معنی‌داری	ضریب همبستگی	
قبول	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۳۷۸	فاصله اجتماعی
قبول	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۲۶۴	استفاده از وسایل ارتباط جمعی
قبول	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۲۸۸	کنترل غیررسمی
قبول	پیرسون	۰/۰۰۰	۰/۴۷۶	بی‌نظمی

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد بین همه متغیرها، یعنی بین متغیرهای مستقل پژوهش که عبارتند از فاصله اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، کنترل غیررسمی و بی‌نظمی با متغیر وابسته پژوهش، ترس از جرم رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد (جدول ۶). ضرایب همبستگی به دست آمده حاصل از آزمون ضرایب متغیرها، نشان می‌دهد که ضرایب به دست آمده فاصله اجتماعی برابر با (۰/۳۷۸) و استفاده از وسایل ارتباط جمعی برابر با (۰/۲۶۴) و کنترل غیررسمی برابر با (۰/۲۸۸) و بی‌نظمی برابر با (۰/۴۷۶) به دست آمده است که نشان می‌دهد به میزان هر واحدی که به متغیر مستقل اضافه می‌گردد، به همان میزان نیز به متغیر وابسته پژوهش یعنی به میزان ترس از جرم زنان، اضافه می‌گردد و ترس زنان از مورد جرم واقع شدن در فضاهای عمومی و خصوصی، افزایش می‌یابد.

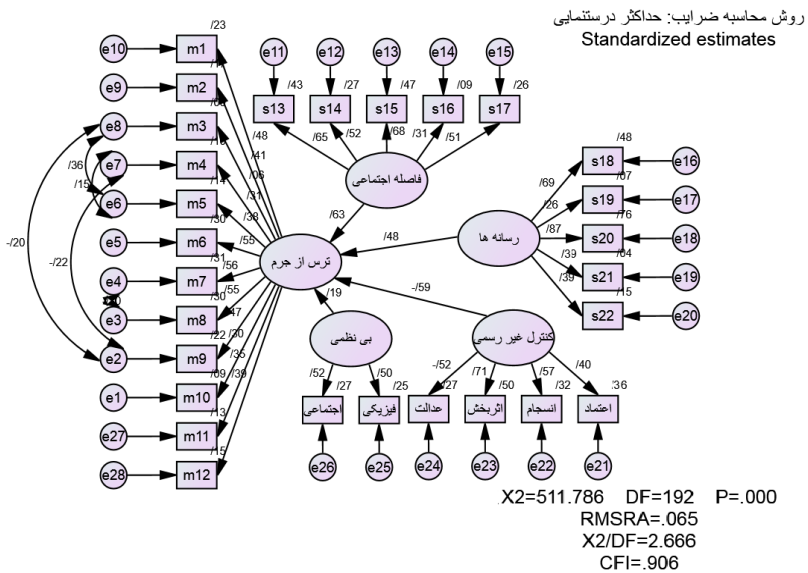
نتایج تحلیل معادله ساختاری متغیرهای پژوهش

داده‌های این تحقیق از روش استاندارد کردن داده‌ها در مسیر تحلیلی آنالیز رگرسیون در SPSS ۲۵ مورد ویرایش قرار گرفت و داده‌هایی که در دامنه +۳ تا -۳ قرار داشتند مورد استفاده قرار گرفتند و داده‌های بیشتر و کمتر از این دامنه از داده‌ها حذف گردیدند تا داده‌های استاندارد شده‌تری را برای تحلیل در اختیار محقق قرار دهد. از مجموع ۳۵۰ داده، ۱ داده حذف گردید و ۳۴۹ داده مورد تحلیل قرار گرفت.

نمودار و جداول زیر شاخص‌های برازندگی تحلیل معادله ساختاری را نشان می‌دهد:



مدل ۱: مدل غیراستاندارد معادله ساختاری پژوهش



مدل ۲: مدل استاندارد معادله ساختاری پژوهش

با توجه به نتایج زیر که از خروجی نرم‌افزار اموس ۲۵ به دست آمده است، برازش مناسب مدل را نتیجه می‌گیریم.

جداول زیر محدوده دامنه شاخص و نیکویی برازش را نشان می‌دهند.

جدول شماره ۷: بار عاملی ابعاد متغیر مستقل برازش شده

بار عاملی	گویه‌ها	بار عاملی	گویه‌ها
	رسانه		فاصله اجتماعی
۰/۶۹	S18	۰/۶۵	S13
۰/۳۶	S19	۰/۵۲	S14
۰/۸۷	S20	۰/۶۸	S15
۰/۳۹	S21	۰/۳۱	S16
۰/۳۹	S22	۰/۵۱	S17
	بی نظمی		کنترل غیررسمی
۰/۵۲	بی نظمی اجتماعی	۰/۵۲	عدالت اجتماعی
۰/۵۰	بی نظمی فیزیکی	۰/۷۱	اثربخشی جمعی
-----	-----	۰/۵۷	انسجام اجتماعی
-----	-----	۰/۴۰	اعتماد اجتماعی

جدول شماره ۸: بار عاملی ابعاد متغیر وابسته برازش شده

نام مخفف	متغیر وابسته	بار عاملی
M1	ترس واقعی	۰/۶۴
M2	ترس بی‌قاعده	۰/۶۹
M3	انواع جرم	۰/۸۲
M4	احساس امنیت	۰/۷۶
M5	قضایات‌های شناختی از جرم توسط فرد	۰/۷۷
M6	میزان و مقدار احتمال وقوع جرم برای فرد	۰/۳۹
M7	احساس فرد نسبت به جرم	۰/۶۲
M8	فضامندی	۰/۶۱
M9	احساس ضعیف بودن	۰/۴۸
M10	نوع پوشش در شهر	۰/۴۵
M11	مورد قضاوت واقع شدن	۰/۵۲
M12	واکنش به ترس از جرم	۰/۸۲

جدول شماره ۹: شاخص‌های برازش الگوی اصلی

شاخص‌ها	مقدار قابل قبول	مقدار یافته پژوهش	مطلوبیت
RMSEA	$rmsea > .07$	۰/۰۶۵	تائید مدل
Chi-square	-	۵۱۱/۷۸۶	-
p-value	$p - value > .05$	۰/۰۰۰	عدم تائید مدل
Df (درجه آزادی)	-	۱۹۲	-
x_2 / Df	$x_2 / Df < 3$	۲/۶۶۶	تائید مدل
cfi	$CFI > .09$	0/906	تائید مدل

در مدل پژوهش مقدار کای دو به درجه آزادی ۲/۶۶۶ و کوچک‌تر از ۳ است. همچنین مقدار جذر برآورد واریانس خطای تقریب (RMSEA) برابر ۰/۰۶۵ و کمتر از ۰/۰۸ است. همچنین شاخص برازندگی تطبیقی (CFI)، برابر با 0/906 در حد بسیار مطلوب قرار دارند. مدل برازش خوبی را نشان داده و مورد تائید است.

نتیجه‌گیری

امروزه به مدد پیشرفت و تعالی شهرنشینی و رشد و ترقی قوانین فردی و جمعی، آنچه تحت عنوان ترس، در شهرها و در عرصه خصوصی و عمومی زندگی کنشگران یک جامعه، شاخص شده است، ترس از جرم است. یا به تعبیری ترس از اینکه افراد مورد و سوژه جرم شوند. اگرچه ترس از جرم، روح خود را از جرم وام می‌گیرد، جرمی که در یک مکان-محل ظهور می‌یابد و محو می‌شود، پدیده‌ای است مستقل و به‌غایت تأثیرگذار که حتی می‌تواند بر جرائم نیز از هر حیث تأثیر بگذارد. داروین می‌گوید انسان، نخستین ترس خود را هنگام تولد تجربه می‌کند. این ترس در اشکال مختلف همراه همیشگی آدمی است. تنها یکی از این اشکال ترس از بزه دیدگی یا ترس از جرم است. سخن کوتاه اینکه در این پژوهش همان‌طور که با استفاده از داده‌های آماری به‌دست‌آمده از طراحی پرسشنامه برای سنجش ترس از جرم، مشخص شده است، به‌طور خلاصه و موجز در ادامه اشاراتی خواهیم نمود و نتیجه فرضیات طراحی شده را بیان خواهیم داشت.

در این مقاله، یکی از اهداف مهم و اصلی پژوهش، سنجش دقیق ترس از جرم در زنان بود. همان‌گونه که در بخش روش مقاله به‌صورت مبسوط آورده شده است، ابزار ساخته‌شده توسط نگارنده، با استفاده از ضرایب آزمون‌های آلفای کرونباخ با استفاده از نرم‌افزار آماری spss24 و مدل معادلات ساختاری با استفاده از Amose25 موردسنجش قرار گرفت و ابزار ساخت‌یافته برای سنجش ترس از جرم در زنان، مورد تأیید و برای سنجش بهتر در این مقاله مورد استفاده قرار گرفته است. نتایج یافت شده در فرضیه اول تحقیق، آورده شده است که به نظر می‌رسد بین فاصله اجتماعی و ترس از جرم در زنان رابطه وجود دارد. با توجه به بررسی فرضیه با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، مشخص شده است که متغیرهای مستقل و وابسته فرضیه باهم رابطه مثبت و معنی‌داری دارند و جهت همبستگی متغیرها نیز مثبت است یعنی هر مقدار واحد که به متغیر مستقل اضافه گردد، به همان مقدار نیز بر میزان ترس از جرم افزوده می‌گردد. این یافته، نتایج حاصل از تحقیقات نیازی و همکاران (۱۳۹۷)، سبزه‌ای، مرادی (۱۳۹۴) را تأیید می‌کند.

در فرضیه دوم تحقیق آورده شده است که به نظر می‌رسد بین استفاده از وسایل ارتباط جمعی و ترس از جرم در زنان رابطه وجود دارد. با توجه به بررسی فرضیه با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، مشخص شده است که متغیرهای مستقل و وابسته فرضیه باهم رابطه مثبت و معنی‌داری دارند و جهت همبستگی متغیرها نیز مثبت است یعنی هر مقدار واحد که به متغیر مستقل اضافه گردد، به همان مقدار نیز بر میزان ترس از جرم افزوده می‌گردد.

ترس بی‌تردید یکی از ابزارهای مهم برای فروش رسانه‌های جمعی است، و در این رسانه‌ها روزه‌روز فضای بیشتری به ترس اختصاص می‌یابد. رسانه‌های جمعی در خلق ترسی که هیچ تناسبی با واقعیت‌ها ندارند نقش مهمی دارند. آن‌ها ما را با افسانه‌سرایی درباره ویروس‌های خطرناک کشنده، تروریست‌ها، معلمان، که از دانش‌آموزان سوءاستفاده جنسی می‌کنند، نوجوانان معتاد به خشونت، فاجعه‌های زیست‌محیطی، و غذاهای مسموم بمباران می‌کنند. آدم و سوسه می‌شود بگوید که رسانه‌ها نقشی چنان محوری دارند که خطر یا فاجعه فقط وقتی واقعیت پیدا می‌کند که رسانه‌ها آن را پوشش خبری بدهند. افرادی که زیاد تلویزیون نگاه می‌کنند بسی بیشتر از دیگران مایل‌اند تصور کنند که محله‌شان ناامن است و باور کنند که جرم و جنایت رو به افزایش است و آن‌ها در معرض خطر قرار دارند.

منطق رسانه‌های جمعی یکی از مهم‌ترین علت‌های رشد فرهنگ ترس است، اما درعین حال بدیهی است که این فرهنگ فقط به این دلیل توانسته رشد کند که ما خودمان آماده‌ایم به این نوع منطق میدان بدهیم. اگر از منظری طبیعی بنگریم، انسان‌ها موجوداتی هستند سخت در معرض خطر. ما پا به جهانی می‌گذاریم که تسلطی بر آن نداریم و به نظر می‌رسد در سرتاسر عمرمان مقهور عدم قطعیت حیاتی و زیستی هستیم. اما ترس ما با توجه به تجارب ما باید دائماً رو به کاهش برود. چند نفر از ما تاکنون در معرض حمله تروریست‌ها قرار گرفته‌ایم، یا در معرض خشونت غریبه‌ها، یا در نتیجه مواد افزودنی به خوراکی‌ها یا ابتلا به یک ویروس تازه سخت بیمار شده‌ایم؟ پاسخ روشن است: عده

فوق‌العاده کمی از ما. اکثر ما هفتاد هشتاد سالی عمر می‌کنیم و بر اثر پیری می‌میریم، بی‌آنکه در طول عمرمان گرفتار هیچ‌یک از این بلایایی که برشمردیم شده باشیم. زندگی ما چنان امن و محافظت‌شده است که آن‌قدر وقت پیدا می‌کنیم که به خطرهای بالقوه‌ای فکر کنیم که به تحقیق می‌توان گفت هیچ‌کدامشان هرگز در زندگی ما جامه عمل نمی‌پوشند. ترس ما فرآورده جانبی یک تجمل است. اما این به‌هیچ‌روی از واقعیت آن نمی‌کاهد. این یافته نتایج حاصل از تحقیقات کرمانی و سیدزاده ثانی (۱۳۹۲)، کوپس (۲۰۱۰) را تأیید می‌کند. در فرضیه سوم تحقیق آورده شده است که به نظر می‌رسد بین کنترل غیررسمی و ترس از جرم در زنان رابطه وجود دارد. با توجه به بررسی فرضیه با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، مشخص شده است که متغیرهای مستقل و وابسته فرضیه باهم رابطه مثبت و معنی‌داری دارند و جهت همبستگی متغیرها نیز مثبت است یعنی هر مقدار واحد که به متغیر مستقل اضافه گردد، به همان مقدار نیز بر میزان ترس از جرم افزوده می‌گردد. این یافته نتایج حاصل از تحقیقات نیازی و همکاران (۱۳۹۷)، نیازی و همکاران (۱۳۹۶)، علیوردی‌نیا، جان‌علیزاده و پنج‌تنی (۱۳۹۵)، کویانی، پورقهرمانی (۱۳۹۵)، رشادی و همکاران (۱۳۹۵)، نبوی و چبیشه (۱۳۹۳)، کرمانی و سیدزاده ثانی (۱۳۹۲)، چبیشه (۱۳۹۲)، اسکاربورگ و همکاران (۲۰۱۰) را تأیید می‌کند. در فرضیه چهارم تحقیق آورده شده است که به نظر می‌رسد بین بی‌نظمی و ترس از جرم در زنان رابطه وجود دارد. با توجه به بررسی فرضیه با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، مشخص شده است که متغیرهای مستقل و وابسته فرضیه باهم رابطه مثبت و معنی‌داری دارند و جهت همبستگی متغیرها نیز مثبت است یعنی هر مقدار واحد که به متغیر مستقل اضافه گردد، به همان مقدار نیز بر میزان ترس از جرم افزوده می‌گردد.

بنابراین یافته‌های توصیفی و استنباطی تحقیق، مهم‌ترین عامل مهم در ترس از جرم در بین زنان، عوامل بی‌نظمی اجتماعی و فیزیکی مثل خرید و فروش مواد مخدر، افراد کارتن‌خواب، جوانان و نوجوانان پرسه‌زن، پرت کردن زباله‌ها در پیاده‌روها و جوی‌ها و ... می‌باشد. بی‌نظمی یکی از قوی‌ترین پیش‌بینی‌های ترس از جرم است. در آمریکا تأکید بر این

متغیر به عنوان مهم ترین عامل ترس از جرم بیشتر از سوی نو محافظه کاران برای افزایش شدت کنترل اجتماعی و میزان دخالت پلیس مطرح می شود، اما در این تحقیق تأثیر قابل توجه این عامل انکارناپذیر است. این یافته نتایج حاصل از تحقیقات کروبسی (۱۳۹۸)، نیازی و همکاران (۱۳۹۷)، نیازی و همکاران (۱۳۹۶)، اسندرکر (۲۰۱۰) را تأیید می کند.

منابع

- احمدی حبیب، عربی علی، حکیمی نیا بهزاد. (۱۳۹۲). بررسی رابطه مصرف رسانه ای و ترس از جرم (مورد مطالعه: شهر کرج). *مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهری)*. تابستان ۱۳۹۲، دوره ۳، شماره ۷، از صفحه ۱ تا صفحه ۲۳.
- براری، علیرضا، اسفجیر عباسی، علی اصغر، رحمانی، علی. (۱۳۹۸). ساخت و اعتباریابی ابزار سنجش ترس از جرم زنان. *دو فصلنامه پژوهش های انتظامی-اجتماعی زنان خانواده*، ۷(۲).
- ژیلنیتس، آندژی. (۱۳۹۶). *فضا و نظریه اجتماعی*، ترجمه آیدین ترکمه. شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران
- شاکری، فرشته. (۱۳۸۹). بررسی و تحلیل جامعه شناختی ترس از جرم و رفتارهای غیر مدنی در فضاهای عمومی (مطالعه ای در میان زنان ساکن تهران). پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی
- عشایری، طاها، نیازی، محسن، عباسی، الهام. (۱۳۹۷). واکاوی ترس از جرم در ساختار اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن. *فصلنامه پژوهش های اطلاعاتی و جنایی*. سال سیزدهم، شمار چهارم، زمستان
- کیانی، شاهوندی، الهام، پارسا مهر، مهربان. (۱۳۹۵). بررسی عوامل جامعه شناختی مرتبط با ترس از جرم در فضای شهری در بین زنان شهر تهران. *همایش بین المللی افق های نوین در علوم تربیتی، روانشناسی و آسیب های اجتماعی*
- Bannister, J. & Fyfe, N. (2001). Fear and the city. *Urban studies*.38 (5-6).
- Bowman, C. G. (1993). Street harassment and the informal ghettoization of women. *Harvard Law Review*, 106, 517-580

- Ferraro, K.F (1995). Fear of crime :Interpreting victimization risks .
Albany NY :**SUN Press**.
- Ferraro, K.F. (1995). Fear of Crime: Interpreting Victimization Risk,
Albany: State University of **New York Press**
- Garofalo, J. & Laub, J. (1978). The Fear of Crime: Broadening our
Perspective,
Victimology 3: pp.242-253
- Goodey, J. (2005). Victims and Victimology: Research, Policy and
Practice, Harlow:
Pearson Education Ltd
- Goodey, J. (2005). Victims and Victimology: Research, **Policy and
Practice**. London:Longman
- Hinkle, C. J .(2009). Making Sense of Broken Windows: the
Relationship between Perception of Disorder, Fear of Crime,
Collective Efficacy and Perception of Crime, **Unpublished
Dissertation**, University of Maryland, Maryland.
- Kahe, A (2005).The Article Series of Social Safety
Festival". VolumeTehran: **Gole Poneh Press**.
- Kelly, L. (1988). Surviving Sexual Violence. Cambridge: **Polity Press**
- Lubava, J., & Mtani, A. (2004). Urban space and security: A case of
the Dares Salaam- Safety audits for women Dares Salaam.
Tanzania,vol 7, 13-17.
- Madriz, E. (1997). Nothing Bad Happens to Good Girls: Fear of
Crime in Women's Lives. London: **University of California Press**.
- Pain,Rachal.(2000). place, social relation and the fear of crime. **A
review progress in human geography**
- Skogan, W.G. .(1987). The Impact of Victimization on Fear, Crime
and Delinquency33(1): pp.135-154
- Winkel, F. W. & Vrij, A. (1990). Fear of crime and mass media crime
reports: Testing similarity hypotheses. **International Review of
Victimology**, 1, 251-265.